

سخن سردبیر

سفر پایان نامه (پژوهش)

نوشتن پایان نامه یا اجرای پژوهش به سفر تشبیه شده است. این سفر را برخی دانشجویان تحصیلات تکمیلی یا شروع نمی‌کنند، یا در نیمه راه سفر می‌مانند و تعدادی آن را به پایان می‌رسانند (طبق آماری که در آمریکا گزارش شده است، فقط ۴۰ تا ۵۰ درصد دانشجویان دکتری توانسته‌اند پس از اتمام دروس، پایان نامه خود را ارائه دهند). گروهی که به مقصد این سفر می‌رسند، با تجربه‌ها و خاطره‌های شیرین و گروهی با خاطره‌های تلخ از آن یاد می‌کنند.

موفقیت در سفر پایان نامه همانند سفرهای دیگر، به برنامه‌ریزی نیاز دارد. این سفر بسیار شبیه رفتن به قله کوه است. مسیری که موانع و ناهمواری‌های زیادی دارد و شما را با حوادث پیش‌بینی نشده مواجه می‌کند، اما وقتی به قله می‌رسید و به پایان نگاه می‌کنید، احساس خوبی به شما دست می‌دهد؛ خستگی‌هایتان رفع می‌شود؛ خود اعتمادی پیدا می‌کنید و همان لحظه تصمیم به سفر دیگری می‌گیرید.

برنامه‌ریزی این سفر از انتخاب موضوع و استاد راهنما آغاز شده و با انتشار نتایج پژوهش شما پایان می‌پذیرد و دوباره سفری دیگر را می‌توانید آغاز کنید. نخستین سؤال قبل از آغاز هر سفر این است که به کجا بروم؟ چرا این مقصد را انتخاب کنم؟ در پایان نامه و پژوهش هم نخستین سؤال، انتخاب حوزه و عنوان پایان نامه و تحقیق است. باید مقصد یا موضوعی را انتخاب کنید که به آن علاقه‌مندید؛ نسبت به آن احساس خوبی دارید و از نظر شما مفید است؛ در ارتقای شغل شما مؤثر واقع می‌شود و حس می‌کنید که با انجام آن از دیگران متمایز می‌شوید. این مرحله است که به شما ارزش می‌دهد و دیگران حاضرند برای این ارزش، هزینه کنند.

سؤال بعدی این است که به چه لوازمی احتیاج دارم؟ در سفر پژوهش نیز شما به ابزارهایی مثل مهارت روش تحقیق، آشنایی با نرم‌افزار، دانستن زبان خارجی، قدرت تحلیل آماری و... نیاز دارید. اگر ابزارهای لازم را نداشته باشید، مشکلات تحقیق در میانه راه بر شما غلبه می‌کند و ممکن است اتفاق‌های خوبی برای شما رقم نخورد.

سؤال دیگر این است که تنها سفر کنم یا خیر و با چه کسانی می‌توانم همسفر شوم؟ مسئولیت اصلی سفر پژوهش و پایان نامه با شماست، اما داشتن همراهان خوب هم مهم است. در این سفر مهم‌تر از هر چیز، داشتن یک استاد راهنمای خوب است که بتواند هنگام مشکلات شما را راهنمایی کرده و به ادامه کار تشویق کند. باید راهنمایی را انتخاب کنید که به او اعتماد دارید، در دسترس است و می‌تواند نیرو و انگیزه شما را افزایش دهد. داشتن همکلاسی‌های خوب که ایده‌هایتان را با آنها در میان بگذارید، دوستان و خانواده و... می‌توانند در این سفر ماجراجویانه همراهان خوبی برای شما باشند.

خوب تمام کردن یک پژوهش به خوب شروع کردن آن ارتباط دارد. این سفر باید با مغز، قلب و تشویق همراه باشد. علاوه بر مباحث علمی، عشق و علاقه شماست که این سفر مبهم و گاه مملو از ناهمواری را امکان‌پذیر می‌کند. باید

تلاش کنیم با برنامه‌ریزی برای این سفر، تجربه‌های خوبی از آن به‌دست آورده و مسیر پژوهشی را ادامه دهیم. سفر پژوهشی سفری است که لحظات آن همراه با امید و ناامیدی و خوشحالی و نگرانی سپری می‌شود و پشتیبان و راهنمای خوب، می‌تواند شما را از این مسیر به خوبی عبور دهد.

مسیر سفر پژوهش از ابتدا روشن نیست؛ اگر این مسیر از ابتدا روشن و مشخص باشد، دیگر تحقیق نامیده نمی‌شود. **تحقیق به معنای روشن کردن ندانسته‌هاست.** اگر همه جزئیات تحقیق روشن باشد، تحقیق نیست، بلکه فقط عملیاتی است که فکر در آن سهمی ندارد. سفر پژوهشی همیشه مانند مسیری است که برای نخستین بار طی می‌شود و افراد زیادی هم در این مسیر وجود ندارد که اگر وجود داشته باشد نیز، تحقیق دانش‌افزایی محسوب نمی‌شود. باید این مسیر نامشخص و پر پیچ و خم را با عشق و علاقه و پشتیبان خوب (در پژوهش پایان‌نامه دانشجویی این پشتیبان استاد راهنماست) طی کنید تا در پایان، به سفر خود افتخار کنید و حس خوبی داشته باشید. نگرش شما در برنامه‌ریزی این سفر اهمیت دارد. **این نگرش شماست که شما را می‌سازد یا نابود می‌کند.** با خود تکرار کنید که این کار باید انجام شود، افرادی که به شما انرژی منفی می‌دهند را از خود دور کنید. **این سفر به تعهد، استقامت، نگرش مثبت، تشویق و روحیه ماجراجویی احتیاج دارد.** مطمئن باشید در پایان این سفر، شما به احساس خودباوری می‌رسید، به ارزش خود پی می‌برید، برای خود احترام ایجاد کرده و همیشه با افتخار آن را برای دیگران بازگو می‌کنید.

برای انجام این سفر باید صبور و مقاوم باشید، بین کار و خانواده، دوستان و تفریحات و انجام این سفر تعادل برقرار کنید. این سفر هزینه‌های زیادی دارد که عمده آنها مادی نیست، مثل کاهش زمان تفریح یا کاهش زمان برای دوره‌های خانوادگی و... در انجام سفر پایان‌نامه باید در خود تمرکز پژوهشی ایجاد کنید؛ به‌طور مثال، اگر برنامه‌ریزی کرده‌اید که برای بحثی ۱۰۰ ساعت وقت بگذارید، اثر و نتیجه‌ای که در ۱۰۰ روز و روزی یک ساعت به‌دست می‌آورد با نتیجه‌ای که طی ۲۰ روز و روزی ۵ ساعت کسب می‌کنید، بسیار متفاوت خواهد بود. **تمرکز پژوهشی یعنی حداقل زمانی که برای تفکر روی هر موضوع لازم است تا ارتباط با موضوع برقرار شود.**

یکی از اتفاق‌های خوب و در حال رواج، نوشتن سفرنامه دانشجویان و افرادی است که در این سفر موفق شده‌اند و پایان‌نامه را به انتها رسانده و دفاع کرده‌اند. همان‌گونه که سفرنامه‌نویسی و خاطرات افراد سیاستمدار و مدیر بنگاه‌های تجاری مفید است، آنها نیز سفرنامه خود را می‌نویسند، تجربه‌هایی که کسب کرده‌اند را به اشتراک می‌گذارند و تلاش می‌کنند با این کار راهنمای آیندگان باشند. هرچند سفر پژوهشی برای هر محقق منحصر به فرد است، تجربه دیگران می‌تواند بسیار راهگشا باشد. **کسی که تاریخ نمی‌خواند، باید آن را از صفر شروع کند و هزینه‌هایی که دیگران پرداخته‌اند را نیز بپردازد.**

برای آشنایی با نگارش این نوع سفرنامه، در ادامه سفرنامه یکی از محققان ایرانی، سرکار خانم دکتر گلکار که تا کنون سه سفر پایان‌نامه را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند و با علاقه و خوشرویی تقاضای من را برای نوشتن سفرهای پایان‌نامه خود پذیرفتند، آورده شده است. همچنین یک نمونه خارجی سفرنامه نیز از یک سفر پژوهشی ارائه شده است. امیدوارم سایر دانشجویان تکمیلی نیز در پایان کار پژوهشی خود، با نگارش چند صفحه از سفرنامه خود، دیگران را نیز در تجربه‌هایی که کسب کرده‌اند، سهیم کنند.

اطمینان داریم که ارائه تجربه‌های شما، به ارتقای کیفیت پژوهش و حل مشکلات جامعه کمک خواهد کرد و جایگاه پژوهشگران را میان تصمیم‌سازان کشور مشخص کرده و سهم آنان را در تولید دانش جهان، بهبود خواهد داد.

تجربه سه سفر پژوهشی دکتر سحر گلکار^۱

نوشتن و ثبت خاطرات سفر، بیش از آن که دیگران را برای کسب تجربه‌ای ناب و منحصر به فرد ترغیب کند، یادآوری عمیقی است از آنچه در تار و پود ذهن و جان مسافر رسوب کرده است.

سفر پایان‌نامه، به‌خصوص در مقطع تحصیلی دکتری، بیش از هر چیزی، برای من بازآفرینی سه مفهوم زمان، ایمان و امید بود. اینکه اگر این سه مفهوم با هم ترکیب شوند، معجونی از توانمندی در اختیاراتان قرار می‌دهند که هیچ آفتی از جمله شک و ترس نمی‌تواند ذهن شما را تسخیر کند و خستگی به شما نفوذ نخواهد کرد. پس اگر خسته یا مردد هستید از شما می‌خواهم این سه عنصر را در خود جست‌وجو کنید. وقتی این سه عنصر برای شروع و به اتمام رساندن پایان‌نامه در شما نهادینه شوند، پیشرفت و عملکردتان مثال‌زدنی و یافته‌هایتان اصیل‌تر خواهد شد.

فراموش نکنید تا زمانی که مطمئن نشدید موضوع یا حوزه‌ای که برای تحقیق انتخاب کرده‌اید، آنی نیست و فکر و جان شما همیشه در پی یافتن پاسخی برای آن بوده است؛ تعلق و مشارکت شما در یافتن حوزه‌های ناشناخته یا تبیین روابط میان متغیرها بسیار مصنوعی و مکانیکی خواهد بود.

به یاد داشته باشید که با پیشرفت‌های عرصه تکنولوژیک و فناوری اطلاعات، چه بسا زمانی فرا برسد که یک کامپیوتر بتواند هر آنچه در ظاهر از رساله دکتری انتظار می‌رود را برآورده سازد. بنابراین اگر نگرش پایان‌نامه برای محقق یک سفر انسانی قلمداد نشود، شاید با توجه به زمان و عمری که برای آن صرف کرده‌اید، کار عبثی باشد. برای یافتن روابط میان متغیرها و تبیین یک مدل برای دریافت یک عنوان، شاید حتی یک سال از عمر شما نیز بسیار گران باشد، اگر در جست‌وجوی مفاهیم دیگری نباشید.

در دو تجربه نگارش رساله دکتری در ایران و مالزی، دستاورد من رساله‌هایی نبود که دفاع کردم، شاید بزرگ‌ترین کشف من این بود که اگر ایمان داشته باشیم که با تمام توان به میدان بیاییم، نتیجه تلاش ارزنده خواهد بود. بله، در کلمه ایمان تأکید می‌کنم. ایمان در ادیان و مکاتب مختلف تعاریفی دارد که فکر می‌کنم نقطه مشترک همه تعاریف، داشتن اعتماد و شک نکردن به درستی راهی است که انتخاب کرده‌اید. اگر انتخاب کرده‌اید که تا آخر عمر، شما را دارنده مدرک پی. اچ. دی. در شاخه علمی‌تان بدانند، یعنی مسئولیتی را برگرزیده‌اید که به عنوان یک انسان و نه یک ربات، به ارزش‌آفرینی در آن شاخه علمی بپردازید. همان‌طور که یک پزشک حق ندارد تا آخرین لحظه از نجات بیمار خود ناامید شود، ما نیز مسئولیم که امید را چاشنی تمام فعالیت‌های علمی خود کنیم. در سفر نگارش پایان‌نامه دکتری، توصیه شایان توجه به هم‌درسان، انتخاب موضوع و حوزه‌ای است که خود را از لحاظ سابقه علمی و فکری و ساختار ذهنی و حتی پرورشی با آن هم‌سان و هم‌آوا می‌دانید. موضوع خود را نه از سر رفع تکلیف که از سر ذوق، ایمان و امید به گشودن روزنه‌ای در ادامه حیات آن رشته، انتخاب کنید.

شاید این نوع سفر و سفرهای مشابه، تنها سفرهایی باشند که توشه آنها همواره تا انتهای عمر برای شما باقی می‌مانند. یقین دارم که این سفر تمام‌نشده است؛ زیرا به محض پایان یک رساله، شوق ادامه مسیر، توقف را برای شما بی‌معنا خواهد کرد. با وجودی که این سفر به ظاهر امری منطقی، علمی و عددی است؛ طی آن باید بارها و بارها صدای قلبتان را جدی بگیرید. ارتباط و روایی آنچه می‌نگارید را باید قلبتان نیز باور کند تا در نهایت بتوانید نقشه‌ای از این سفر تهیه کنید که مسافران بعدی نیز از آن بهره ببرند. همان‌طور که بارها و بارها سعی خواهید کرد که خودتان را به جای محققان پیشین گذاشته و با هماهنگی قلب و ذهنتان الگوی فکری آنان را تحلیل کنید.

تنها رسالت همه ما در این سفر، ثبت تجربه‌های اصیلی است از آنچه درک کرده و به آن باور داریم. سفر پایان‌نامه بیش از آن که ارمغانی از یک مدرک یا عنوان تحصیلی آکادمیک باشد، نوعی سبک زندگی را برای شما نهادینه می‌کند. ذهن شما از قضاوت‌های یک‌سویه در امان مانده و صبوری برای یافتن یک الگوی هولوگرافیک جهان‌شمول در تمام ابعاد زندگی، از شما فردی متمایز می‌سازد و این وجه تمایز شماست که می‌تواند مسافران بیشتری را به کسب این تجربه مشتاق کند.

سفرتان به خیر

۱. دکتر گلکار سه سفر پژوهشی (پایان‌نامه) را تجربه کرده‌اند. نوشته حاضر به درخواست نویسنده آماده شده که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌کنم.

The master thesis journey

Huong's experience sharing April, 2016

1. Where on earth the ideas of thesis' topics comes from?

My story: At the beginning, I chose my first topic based on available data taken from several projects of our faculty. I did not know what to start, just thought that: Ok, I will choose this topic because there is available data, so I don't need to conduct my own study to collect data, it is really time and energy-consuming. However, my classmate – Daniel, after the first thesis seminar, asked me: "Huong, do you really want to take that topic? Is that your serious interest?" I said hesitantly: "Ahh, probably no." Then he suggested: "Yeah, so believe me, forget it and make your own. The thesis journey can last more than 1 year and the only thing can keep you along with it is your interest toward the topic. Do something that you are really interested in!" I appreciated his advice, had thought a lot and changed my topic. Although the change requires me lots of efforts, time and energy to conduct my own study to collect data, I am happy and pleased about my decision. So far, close to the end to the thesis journey, I still stick on the topic I had changed. I found my thesis quite interesting and meaningful - enough to motivate me go through the journey.

So my messages to you guys:

- Listen to your heart: should fit your interest, ability, situation, needs, etc.
- Consult around: your teachers, coordinators, friends, colleagues, etc.
- Read articles and researches to find out what gaps are waiting for you to fulfill?
- You can change the topic anytime you want, or when you feel the need to change.
Teachers respect your choice anyway! Therefore, you should respect your wish and your needs ;)

2. How do I go through the journey?

My story: At the beginning, I consulted myself, supervisors and friends to narrow down and finalize the possible topic and ideas for thesis. Next, I cooperated with the NGO I worked before in Vietnam – my hometown, to conduct an online training course about wildlife conservation. From this event, I collected necessary data for my thesis. Then, I started working with the data and writing the thesis with huge supports and encouragements from my two supervisors. Sometimes on the journey, I was so confused and really did not know how to proceed the process: too many issues, questions, problems raised. However, the more I am involved in it, the more it is clear and reasonable. I am still survived and going to end the journey soon.

My messages:

- "The first step is often the most difficult". So don't be worried at the beginning, just try to pass the first step, then the road will be widen and good consequences naturally come.
- Apply learning skills that you have learnt from LET to help you deal with confusions, depressions, frustrations and whatever happens during the journey.

3. Am I alone in that journey?

My story: I consider myself as an introverted person. I don't really comfortable with communicating, especially with strange people. Yeah, I prefer work alone, and so do I with the journey thesis. Ahh, but things are not always simple like that. Others will never let you alone ;). The same for my situation. And through my journey so far, I would say I really appreciate, respect and feel super graceful because of those who don't let me alone ^^, namely my classmates, coordinator, teachers, and especially my two supervisors: Hanna and Jonna. Their presences, advise, comments are super helpful, encouraging and motivating.

My messages:

- You can be alone, but if you want to go easier and further, work with others!
- Work closely with your supervisors. Believe me, they will be your savors in many depressing moments of the journey.
- You will have opponents from your classmates to give you comments and advice. So keep in touch with them, exchange your ideas.
- Consult your partner, colleagues, friends, who have willingness to give comments as well as motivate you during the long journey.

.... Well, those are what I can tell so far. Please don't hesitate to contact me if you have any question related to this. I am happy to share with you what I have had and known.

My email: dinhthanhuong88@gmail.com

My temporary thesis's topic ((in case any of you have same interest and concern, so we can share)): **The instructor's role in scaffolding a blended learning course.**

محسن نظری

سردبیر فصلنامه مدیریت بازرگانی

دانشکده مدیریت دانشگاه تهران